

## انواع فقرها مولود فقر فرهنگی است

استاد دانشکده الهیات دانشگاه قم گفت: فقر فکری و فرهنگی و نداشتن قدرت تجزیه و تحلیل، خطرها و آسیب های فراوانی به دنبال دارد. انواع و اقسام فقرها و نیازهای بی پاسخ مولود این نوع از فقر است.



استاد دانشکده الهیات دانشگاه قم گفت: فقر فکری و فرهنگی و نداشتن قدرت تجزیه و تحلیل، خطرها و آسیب های فراوانی به دنبال دارد. انواع و اقسام فقرها و نیازهای بی پاسخ مولود این نوع از فقر است.

به گزارش خبرنگار مهر، محمدجواد حیدری، استاد دانشکده الهیات و معارف اسلام دریکی از پنل های همایش ملی فلسفه فرهنگ با تاکید بر دیدگاه های رهبر معظم انقلاب که در دانشگاه قم برگزار شد گفت: پیامبر گرامی اسلام (ص) به شدت نگران فقر فکری و فرهنگی و سوء تدبیر و مدیریت امت اسلام بودند فقر اقتصادی و تخریب محیط زیست معلول فقر فکری و فرهنگی و سوء تدبیر و مدیریت حکمرانی است. بحمدالله بزرگانی چون ملاصدرا و علامه طباطبایی و حکیم شهید مطهری و امام خمینی و رهبر انقلاب ضمن اشاره به این نکات ناب، فرهنگ را مبداء خوشبختی و بدبختی می دانند. اگر فرهنگ و فکر و اندیشه و سو مدیریت اصلاح گردد تمام اصلاحات دیگر به دنبالش می آید و پیش قدم در تمدن جهان می گردیم. غفلت از این نکات کلیدی عامل اصلی خطرها و شکست های امت مسلمان و عقب ماندگی دولت هاست. از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) اگر امت اسلامی از غنا اندیشه برخوردار باشد ثروت نیز به دنبالش می آید. اما و لو ثروتشان از دنیا بگذرد-مثل ثروت امروز کشورهای اسلامی که همین نفت بزرگترین منبع ثروت دنیاست و بیشترش در کشورهای اسلامی است- ولی فقر اندیشه داشته باشند فایده ای به حالشان ندارد. حالا اگر - هر - دو خطر با هم پیدا بشود یعنی از یک طرف منافق ها، بی دین های متظاهر زیرک، متظاهرها و ریاکارها و مدئس ها پیدا بشوند و از طرف دیگر مردم، جاهل و نادان باشند، آنها اینها را ابزار خودشان قرار می دهند.

وی در توضیح فرهنگ گفت: فرهنگ بُعد نرم جامعه است و شامل مجموعه اندیشه ها، عقاید، باورها، آداب و رسوم و رفتار می شود. فرهنگ و محیط زیست ما دچار بحران و بیماری است. اگر بخواهیم مشکل فرهنگ و محیط زیست حل شود راهکارش نظریه سعادت است. جامعه دارای ۲ لایه است: اول نرم افزار: فرهنگ دوم بُعد سخت افزار: مصنوعات بشر که با چشم می بینیم مانند این ساختمان، سوم، نرم و نیمه سخت مانند سبک زندگی جشن و عروسی که مانند ساختمان پایدار نیست. نظریه سعادت و خوشبختی ستون فقرات فرهنگ است خوشبختی جهان مدرن متمرکز بر بعد حیوانی و غفلت از بعد انسانی و متعالی است چون بشر از نیاز متعالی غافل است تمام فشار را آورده به طبیعت. زمانی خوشبختیم و احساس خوشبختی می کنیم که آرامش همه جانبه و لذت همه جانبه و شادی همه جانبه داشته باشیم. معنی خوشبختی و سعادت مرکب از این ۲ عنصر است. اکنون سوال می شود این ۲ عنصر چه زمانی و چگونه به دست می آید؟ جواب این است که زمانی که سه توانایی داشته باشیم.

حیدری ادامه داد: نظریه سعادت برآیند ۲ توانایی است: اول توانایی پاسخ همه جانبه و متوازن و به هنگام به نیازهای صادق. نیازها هم سه تیپ هستند نیازهای حیوانی و انسانی و متعالی، دوم توانایی کنترل و مدیریت نیازهای کاذب، سوم توانایی حل مسائل و مشکلات مردم و کشور تمام آحاد بشر به دنبال خوشبختی و آرامش و لذت و شادی همه جانبه هستند. ما ۲ تیپ آرامش و لذت و شادی داریم. اگر تلقی درستی از خوشبختی نداشته باشیم در فرهنگ و محیط زیست هم دچار بحران می شویم. بخش زیادی از تخریب محیط زیست ناشی از الگوی مصرف انسان دنیاپرست است. لذا اگر نظریه خوشبختی و سعادت فردی درست درک و اجرا بشود قطعاً الگوی مصرف اصلاح می شود.

الگوی مصرف فعلی دو اشکال دارد: اول آنکه، گرفتار نیازهای کاذب هستیم. دوم آنکه حتی در نیازهای صادق هم چون تمرکز بر نیازهای حیوانی و غفلت از نیازهای انسانی و متعالی است لذا دچار زیاده روی هستیم. مباحث شناخت شناسی و هستی شناسی و نظام ارزشی جزو فرهنگ جامعه است. نظریه سعادت هسته مرکزی و رکن اصلی فرهنگ جامعه است. تمام ابعاد نرم و سخت برای رسیدن به سعادت و خوشبختی است مهم ترین رسالت نهاد علم و حکمرانی این است که نظریه سعادت را به خوبی بشناسد و نرم افزار آن را تولید و در جامعه اجرا نماید. رسالت حکمرانی در خصوص تأمین سعادت و خوشبختی مردم و نگرانی شدید پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از فقر فکری و فرهنگی عرض شد مهمترین رسالت حکمرانی توجه و اهتمام به اندیشه و فرهنگ و ستون فقرات آن یعنی نظریه سعادت است. سو مدیریت حکمرانی موجب فقر فکری و فرهنگی و غفلت از نظریه سعادت می گردد و غفلت از این نظریه فاخر موجب نابودی محیط زیست و فرهنگ می شود. فقر فکری و فرهنگی و نداشتن قدرت تجزیه و تحلیل، خطرها و آسیب های فراوانی به دنبال دارد. انواع و اقسام فقرها و نیازها ی بی پاسخ مولود فقر فکری و فرهنگی و غفلت از مدیریت ارکان سعادت و توانایی یاد شده است. مهمترین رسالت حکمرانی این است که فرهنگ و قدرت فکر و ذهن و توانایی تجزیه و تحلیل مردم را تقویت نماید و نظریه سعادت را عملیاتی نماید اگر یک چهارم ثروت عمومی کشور صرف اصلاح فکر و فرهنگ و اجرای نظریه سعادت و موجب دور اندیشی و توسعه و تعمیق فرهنگ و روشن بینی و آینده

نگری و پرهیز از ظاهر بینی دولت و ملت گردد کار بیهوده ای نیست.